

مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد در جمهوری اسلامی ایران

جلال درخشه^{*۱}

علیرضا رحیمی کیا^۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر درصدد مطالعه تطبیقی رویکرد دولت‌های هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران به سازمان‌های مردم‌نهاد فرهنگی و اجتماعی است. از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع، به بررسی ماهیت سازمان‌های مردم‌نهاد خواهد پرداخت.

روش‌شناسی پژوهش: مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارند که پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، تغییر در ساختار سیاسی در ایران، بروز نشانه‌هایی از گفتمان دمکراتیک بجای گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و بالاخره انتخاب ساختار جمهوری از سوی رهبران انقلاب برای شکل نظام همه بیانگر سرآغاز جدیدی در حیات سیاسی معاصر ایران و فراهم شدن زمینه برای تکوین نهادهای غیردولتی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران بود ثانیاً، تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در دوران خاتمی به نسبت دوران احمدی‌نژاد بیشتر بوده و این سازمان‌ها در دوران دولت هشتم بیشتر مورد توجه و اهمیت قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: نتیجه کسب شده در این مقاله این است که به دلیل خلاء قانونی و نبود سند راهبردی و تفاوت رویکرد دولت‌ها برای تأسیس، استقرار و توسعه این سازمان‌ها، از ظرفیت بسیار خوب این نهادها تاکنون به‌صورت مناسبی استفاده نشده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، دولت هشتم و نهم، سازمان‌های مردم‌نهاد، جامعه مدنی

Email: j.dorakhsha@yahoo.com

۱- استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)(نویسنده مسئول)

Email: rahimi_mn_90@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی

مقدمه

نقش رو به تزاید سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ در مجامع بین‌المللی و نیز تأثیر آنها در افکار عمومی، موجب اهمیت روز افزون این سازمان‌ها شده است. ارزیابی‌ها حکایت از افزایش این اهمیت در روابط بین‌الملل در آینده دارد. واقعیت آن است جامعه ایران با وجود رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر، در حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی (مانند تغییر سبک زندگی، کاهش اعتماد عمومی، استفاده از مواد مخدر، افزایش طلاق و...) مشکلات قابل تأملی دارد که این امر تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی را در پی دارد. لذا بهره‌برداری مدیریت شده و هدفمند از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند ابزار مناسبی برای کاهش مشکلات کشور در حوزه‌های مختلف از جمله امنیت اجتماعی باشد. از طرف دیگر تجربه کشورهای غربی در استفاده موفق از سازمان‌های مردم‌نهاد در انقلاب‌های رنگی و شکست رقبای ایدئولوژیک و سیاسی خود، آنان را به حمایت جدی از این سازمان‌ها در ج.ا.ایران واداشته است تا از این طریق جدی‌ترین منبع تولید فرهنگ ضداستکباری و استعماری را به تغییر از درون وادار سازند. از این‌رو موضوع سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از مواردی است که مورد بحث و گفت‌وگوی فراوان واقع شده است. برخی آن را برای جامعه ایران یک تهدید می‌دانند و معتقدند با توجه به غربی بودن الگوی شکل‌گیری آنان و فعالیت سوء برخی از این سازمان‌ها در دو دهه اخیر در کشور، باید در مقابل سازمان‌های مردم‌نهاد سیاست بازدارندگی داشت و از گسترش آنها جلوگیری کرد. عده‌ای دیگر بر حمایت بی‌چون و چرا از سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان بخشی از جامعه مدنی پافشاری می‌کنند. در چنین فضایی لازم است نهادهای ذیربط در جمهوری اسلامی ایران به بررسی علمی دقیق کارکردهای مختلف سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور و با اشراف به تمامی جوانب موضوع، مدیریت علمی مؤثری در فرآیند سه‌گانه تأسیس، استقرار (طراحی ساختار و فعالیت) همچنین کنترل و نظارت بر این سازمان‌ها ایفا نمایند تا ضمن کاهش تهدیدات به استفاده حداکثری از فرصت‌ها بپردازند. لذا آنچه ضرورت و اهمیت مقاله پیش‌رو را نشان می‌دهد این است که با اشاره به فلسفه، کارکردها و دلایل رشد سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران به بررسی فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف و تهدیدات سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخته و چگونگی ایفای نقش نهادهای مربوط در مدیریت سازمان‌های فوق‌الذکر را با هدف کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌ها مدنظر قرار می‌دهد. در پایان، راهبرد و سیاست‌های اجرایی لازم پیشنهاد شده است. لذا در این مقاله این سؤال مطرح می‌شود که: چرا مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران ضروری است؟

پیشینه پژوهش

فرشاد رفیعی (۱۳۸۵) در اثر با عنوان: «اصول و مبانی مدیریت سازمان‌های غیردولتی» تئورهای مختلف مدیریت و سازماندهی را بحث کرده است و به‌طور مختصر به سازمان‌های مردم‌نهاد و قوانین آن به همراه

1. NGO's

اصول مدیریت داخلی آنها در ایران پرداخته است. علیرضا زارع تیموری (۱۳۷۸) در منبعی با عنوان: «نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در اعتلای حقوق بشر» به بررسی نحوه ارتباط سازمان‌های غیردولتی با سازمان ملل متحد و نهادهای تابعه پرداخته شده و ارگان‌های ناظر بر میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و همچنین ابزارهای حقوق بین‌المللی را بررسی می‌کند. مرجان منشی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان: «بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های غیردولتی بر بازتعریف هویت اجتماعی زنان خانه‌دار مطالعه موردی شهر تهران» بررسی می‌کند که بین مشارکت اجتماعی زنان در سمن‌ها و نوع هویت آنها ارتباط معناداری وجود دارد و زنان خانه‌دار فعال در سمن‌ها در مقایسه با هم‌تایان غیرفعال خود بیشتر به بازتعریف هویت اجتماعی خود دست‌زده و از هویت مدرن‌تری برخوردارند. کیانوش زال‌پور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان: «تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار» بررسی می‌کند که ارائه خدمات مشاوره‌ای بر پیشگیری از جرم زنان سرپرست خانوار مؤثر است همچنین معتقد است که برگزاری کلاس‌های آموزشی بر پیشگیری از جرم زنان سرپرست خانوار مؤثر است و در نهایت زندگی زنان سرپرست خانوار پس از تحت پوشش قرار گرفتن توسر سمن‌ها بهبود یافته است را مدنظر قرار می‌دهد. لیلا آریان‌پور (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ای با عنوان: «تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی جوانان به‌عنوان حاملان اصلی سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی» بررسی می‌کند که ساختار سازمان‌های غیردولتی در جلب مشارکت اجتماعی مؤثر بوده و عملکرد سازمان‌های غیردولتی نقش مؤثری در شفافیت و پاسخ‌گویی دارد. همچنین اهداف و عملکرد سازمان‌های غیردولتی در تقویت انسجام و یکپارچگی گروهی نقش مؤثری دارند. سوسن علائی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان: «بررسی وضعیت و ساماندهی سازمان‌های غیردولتی فرهنگی در ایران» نتیجه می‌گیرد که: سطح دانش و مهارت مدیران و متولیان سازمان‌های غیردولتی فرهنگی و هنری در وضعیت مطلوبی نیست، در میان متولیان فرهنگی هیچ هماهنگی در بسترسازی برای فعالیت غیردولتی وجود ندارد و هدایت و رهبری فعالیت‌ها در سطح ضعیف اجرا می‌شود و نظارت و کنترل دقیقی بر فعالیت‌ها وجود ندارد. مجمع تشخیص مصلحت نظام گروه پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان: «سازمان‌های غیر دولتی» این کتاب شامل چند مقاله؛ نتیجه‌گیری می‌کند که کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد، ساماندهی قدرت مردم در مقابل قدرت حاکمیت و هماهنگی قدرت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان است. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نیز نشان داده است که رابطه نزدیک دولت و سازمان‌های غیردولتی، نقش قابل توجهی در دستیابی به توسعه اجتماعی همه‌جانبه داشته است. از این رو توجه کشورهای در حال‌گذار به نقش و اهمیت سازمان‌های غیردولتی می‌تواند توان مضاعفی برای اجرای اهداف اجتماعی توسعه در اختیار آنها قرار دهد.

سالرا^۱ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ی خود، با دو روش کمی و کیفی، به مقایسه‌ی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی در دو روستای زانزیبار^۲ در تازانیا پرداخت. وی در این مطالعه، از مفهوم‌سازی بانک جهانی

1. Salera
2. Zanzibar

برای سنجش سرمایه‌های اجتماعی استفاده کرد. محقق در این مطالعه، به مشاهده‌ی مشارکتی برنامه‌های توسعه‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد در این دو روستا پرداخت و در عین‌حال به مصاحبه‌ی فردی با کارکنان این سازمان‌ها که در این برنامه‌ها درگیر بودند پرداخت تا به نحوه‌ی درک، اجرا و ارزیابی پروژه‌های آنها دست یابد.

تحلیل پیشینه‌ها و نوآوری مقاله

با توجه به وارداتی و جوان بودن مباحث مربوط به سمن‌ها در ایران (خصوصاً در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد خورشیدی)، اکثر این پژوهش‌ها متأثر از ادبیات معمول جهانی به مواردی همچون نقش و کارکرد این سازمان‌ها در ابعاد اجتماعی و توسعه‌ای پرداخته است. لذا به تأسی از فرایند دلخواه سازمان‌های بین‌المللی به مباحثی همچون ارتباط این سازمان‌ها با حقوق بشر یا گسترش مشارکت زنان و سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. علاوه بر آن پژوهش‌هایی که چه در داخل و چه در خارج از کشور، بدون در نظر گرفتن ملاحظات داخلی یا شرایط بومی و تاریخی ج.ا.ایران به صورت توصیفی به بررسی نظری و ویژگی‌ها یا سایر ابعاد سازمان‌های مردم‌نهاد (همچون چگونگی ایجاد و توسعه آنان در جهان معاصر و ج.ا.ایران یا بررسی روابط دولت‌ها و سازمان‌های جهانی با سازمان‌های مردم‌نهاد) پرداخته‌اند. این تحقیقات در رشته‌های متفاوت علمی از علوم اجتماعی تا شهرسازی (حداقل ۱۶ رشته) صورت گرفته و موضوعات متنوع را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این تحقیقات به دلیل اینکه شرایط هر کشور متفاوت بوده و نمی‌توان به صورت علمی نتایج آنها را به جمهوری اسلامی ایران (به علت محیط متفاوت فرهنگی اجتماعی و سیاسی آن) تسری داد لذا از اعتبار و روایی در خصوص جامعه ایرانی برخوردار نیستند و کاربردی عملی برای حل مشکلات جامعه و ایفای نقش اصلی این سازمان‌ها نخواهند داشت.

مبنای نظری: سمن‌ها در جمهوری اسلامی ایران، نظریه مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی، بدین معنی است که به‌عنوان یک حزب (در هر جامعه‌ای) بتواند ارزش‌های اخلاقی جامعه را مطابق با منطق و علم روز به واسطه دین و مذهب در حوزه عمومی و سیاسی جامعه پیاده یا کنترل نمایند. نظریه «مردم‌سالاری دینی» که در پیوند مفهومی با نظریه‌ی «ولایت‌فقیه» قرار دارد، مبنای نظری، عمل و رفتار در نظام جمهوری اسلامی ایران است.^۱

نظریه و نظام مردم‌سالاری دینی، اشاره به نظریه و نظامی دارد که دو مؤلفه در آن لحاظ شده است:

۱- مردم‌سالاری؛ ۲- دینی بودن

بنابراین نظامی مردم‌سالار دینی است که شاخص‌های هر دو مؤلفه را داشته باشد. شاخص‌های مردم‌سالاری در نظام مردم‌سالار دینی قاعده‌تاً با شاخص‌های مردم‌سالاری در نظام‌های دیگر متفاوت است.

۱. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار خود با اعضای مجلس خبرگان رهبری درباره‌ی مفهوم مردم‌سالاری دینی گفتند: «مردم‌سالاری ما از دل اسلام جوشید ... این جور نیست که وقتی ما می‌گوییم مردم‌سالاری دینی، این به معنای یک ترکیب انضمامی بین مردم‌سالاری با یک مفهومی است و دین با یک مفهوم دیگری؛ این نیست. مردم‌سالاری ما از دین سرچشمه گرفته است، اسلام این راه را به ما نشان داده است.»

از آن‌جا که واژه‌ی «دینی» صفت واژه «مردم‌سالاری» است حاکی از نوعی از مردم‌سالاری است که در چهارچوب دین باشد. چنان‌که در اصطلاح «دموکراسی لیبرال» یا «لیبرال دموکراسی» نیز منظور، نوعی از دموکراسی است که در چهارچوب اصول لیبرالیسم است. نظام مردم‌سالاری دینی دارای شاخص‌هایی است که می‌تواند ملاکی برای سنجش ماهیت و عملکرد آن باشد. در ذیل به بررسی برخی شاخص‌ها در این خصوص خواهیم پرداخت:

الف) مقبولیت مردمی و مشروعیت الهی

در نظام اسلامی به‌عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، نظام حاکم باید از دو رکن مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی برخوردار باشد. دو رکنی که دقیقاً ناظر به دو مؤلفه‌ی مردم‌سالاری و دینی بودن این نظام اشاره دارد. بر خلاف نظام‌های غربی که مشروعیت و مقبولیت با مردم است در نظام اسلامی، مشروعیت و حق حاکمیت را خداوند به حاکم اسلامی می‌دهد نه مردم. چنان‌که در آیات قرآن آمده است: انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا... خداوند بدون نظرسنجی از مردم حاکم و ولی جامعه را تعیین می‌کند. یا حضرت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه وقتی از غضب حق خودش در حاکمیت سخن می‌گوید (خطبه‌ی ۳ نهج البلاغه) که فقط خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله او را انتخاب کرده بودند و اتفاقاً مردم ایشان را به‌عنوان حاکم نپذیرفته بودند؛ بنابراین مردم در اعطای حق حاکمیت به حاکم اسلامی نقشی ندارند؛ حاکم یا به‌نصب خاص الهی است مثل معصومین علیهم‌السلام یا به‌نصب عام یعنی تعیین ویژگی‌های حاکم که بر اساس روایات معصومین علیهم‌السلام، در عصر غیبت، فقیه، عادل با کفایت بر این منصب نصب شده است. در بحث مشروعیت قوانین هم در دوران غیبت امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شاخص مشروعیت قوانین، فقه جعفری است که عدم مغایرت قوانین با فقه شیعه معیار مشروعیت قوانین است. اما تحقق حاکمیت و نظام اسلامی نیازمند مقبولیت عمومی است. چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نهج البلاغه به آن اشاره می‌کند: لولا حضور ال حاضر لالقی ترحلها علی غاربها؛ یعنی اگر حضور شما نبود خلافت را نمی‌پذیرفتم. بنابراین یکی از شاخص‌های یک نظام مردم‌سالار دینی برخورداری از مقبولیت مردمی در عین مشروعیت الهی است. منظور از مقبولیت مردمی، پذیرش عمومی مردم نسبت به تشکیل نظام اسلامی و عدم مخالفت و مانع‌تراشی برای تحقق و تداوم این نظام است. مهم‌ترین معیارهای مقبولیت مردمی عبارتند از:

- ✓ حضور و مشارکت مردم در انتخابات برای انتخاب مسؤولین کشوری در رده‌های مختلف؛
- ✓ حضور و مشارکت مردم در مراسم‌هایی که نوعی اعلام وفاداری به اصل نظام و ارزش‌های مبنایی نظام است مثل: راهپیمایی‌ها، حضور در مراسم رحلت امام راحل، استقبال عمومی از مسؤولین رده‌بالای نظام و...

✓ عدم اعتراض‌های جدی مردمی نسبت به اصل نظام

ب) مشورت با مردم و مشارکت آن‌ها در اداره جامعه

یکی از شاخص‌های مردم‌سالاری دینی بهادادن به نظرات مردم در اداره‌ی جامعه و کشور در چهارچوب قانون است. قانون در نظام اسلامی در چهارچوب شرع است هرچند همانند اصل حاکمیت، قانون نیز نیازمند مقبولیت مردمی است. بنابراین قانون اساسی پس از تدوین به رأی عمومی گذاشته می‌شود. البته در قانون یک نظام مردم‌سالار دینی که مورد پذیرش مردم قرار گرفته است، دیدگاه‌ها و نظرات و قوانین عادی در چهارچوب دین مورد توجه و تصویب قرار می‌گیرد. در دین مبین اسلام به منظور کاهش ضریب خطا در تصمیم‌گیری‌ها و دستیابی به دیدگاه‌های عمیق‌تر و صحیح‌تر و جلب مصالح انسان و دفع ضررهای احتمالی، به مؤمنان سفارش شده که در کارهای خود مشورت نمایند (مجلسی، بی‌تا).

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که به بحث مشورت اشاره کرده است. علاوه بر مشورت ملکه‌ی سبا با بزرگان قومش در رابطه با نامه‌ی حضرت سلیمان علیه‌السلام (سوره‌ی مبارکه نمل، آیات ۲۹ تا ۳۲)، در دو آیه نیز به‌طور خاص و صریح به بحث مشورت پیامبر صلی‌الله علیه و آله با مسلمین و مشورت مؤمنین با یکدیگر اشاره شده است: «وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَی اللَّهِ» و در کارها با آنان مشورت نما؛ لیکن آن‌چه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام بده» (سوره‌ی مبارکه آل عمران، آیه‌ی ۱۵۹). و «وَأْمُرْهُمْ بِشُورَىٰ رَبِّنَا» مؤمنین کارشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند» (سوره‌ی مبارکه‌ی شوری، آیات ۳۶ تا ۳۸).

بسیاری از متفکران اسلامی از مفاد این آیات، بحث مشورت در تصمیم‌گیری در امور سیاسی - اجتماعی و تشکیل مجلس شورا در نظام اسلامی را استفاده کرده‌اند (نائینی، ۱۳۸۲: ۸۱)؛ اما این نکته قابل ذکر است که تفاوتی که در بحث مشورت با مردم در نظام مردم‌سالاری دینی و سایر نظام‌های مردم‌سالار هست، قلمرو مشورت است. متفکرین اسلامی با اشاره به این دو آیه، عرصه‌ی تصمیم‌گیری در نظام سیاسی را به دو عرصه‌ی امرالله و امرالناس تقسیم می‌کنند و معتقدند باید بین این دو عرصه تفکیک قائل شد. در عرصه‌ی امرالله یعنی اموری که از طرف خداوند برای آنها احکام و قوانین مسلم وجود دارد، حق هیچ‌گونه دخالت و تغییری حتی توسط پیامبر صلی‌الله علیه و آله وجود ندارد.

اما در رابطه با عرصه‌ی امرالناس یعنی اموری از زندگی بشری که شارع مقدس الزام خاصی درباره‌ی آنها ندارد، خداوند در چنین حیطه‌ای است که به پیامبر صلی‌الله علیه و آله خود امر می‌کند با مردم تبادل نظر و مشورت کند (و شاورهم فی الامر) و آنان را نیز به مشورت با یکدیگر ترغیب می‌کند (و امرهم شوری بینهم) (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۱۵ - ۲۱۲)؛ بنابراین در نظام سیاسی که تدبیر جامعه بر اساس مصالح عمومی است، در اموری که این مصالح و راه رسیدن به آنها از طرف خداوند به‌صورت حکم الزامی تعیین نشده است، می‌توان با افراد جامعه به مشورت پرداخت. در صورتی که صلاح عمومی جامعه را حاکم و ولی امر مسلمین نتواند با قطع و یقین بشناسد و شناختن آن جز از راه مشورت، ممکن و مقدور نباشد یا به احتمال قوی مشورت بهترین راه شناخت این مصلحت باشد، در چنین مواردی مشورت واجب است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۲۸۸ - ۲۸۹).

در نظام جمهوری اسلامی نیز برای استفاده از نظرات مردم نهادهایی مثل مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نمایندگان مردم، مجلس خبرگان رهبری، شوراهای اسلامی شهر و روستا، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های تخصصی مثل نظام مهندسی، نظام پزشکی، نظام روانشناسی و مشاوره و ده‌ها نهاد دیگر تعبیه شده است تا به نظرات مردم توجه شود و بر اساس آنها کشور اداره شود.

ج) آزادی مردم و گروه‌های سیاسی در نظام اسلامی

یکی دیگر از شاخص‌های نظام مردم‌سالار دینی بحث آزادی مردم در چهارچوب دین و ارزش‌های دینی است. در نظام اسلامی حاکم، حق تحمیل امور به مردم را ندارد چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ولیس لی أن أحمّلکم علی ما تکرهون؛ هیچ‌گاه امری را که نسبت به آن اکراه دارید به شما تحمیل نمی‌کنم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۸).

حضرت امام (ره) نیز در این باره می‌فرماید: بر هیچ کس و هیچ‌جا اسلام تحمیل نمی‌شود. اسلام با تحمیل مخالف است. اسلام مکتب تحمیل نیست. اسلام آزادی را به تمام ابعادش ترویج کرده است. ما فقط اسلام را ارائه می‌کنیم. هر کس خواست می‌پذیرد و هر کس نخواست نمی‌پذیرد (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۵۷)؛ همچنان‌که بخشی از مفهوم کلام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که می‌فرماید: «لاتکن عبد غی‌رک ل قد جعلک اللّٰه حراً» (نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه)، ناظر به همین بحث آزادی است. بنابراین مردم در نظام اسلامی آزاد هستند. اما آزادی در نظام اسلامی با آزادی در نظام‌های غربی متفاوت است. حضرت امام (ره) آزادی غربی و وارداتی که منجر به گسترش فحشا و بی‌بندوباری می‌شود را رد می‌کنند و آزادی را در چهارچوب قانون اسلام می‌پذیرند: سیره‌ی عملی حضرت علی علیه‌السلام با گروه‌های سیاسی و حتی مخالفین ایشان مثل ناکثین، قاسطین و مارقین بیان‌گر اعطای آزادی به آنها در قالب حدود اسلامی است (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶: ۳۶۶ - ۳۵۶)؛ لذا ایشان حتی در مورد خوارج زمان خود، آزادی سیاسی را تا جایی می‌پذیرند که به دنبال براندازی و توطئه علیه حکومت نباشند.

حضرت امام (ره) نیز به همین نکته تصریح دارند: هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست (امام خمینی، ۱۳۸۶: ج ۳: ۳۷۱)؛ همچنین ایشان به رعایت مصالح امت اسلامی نیز به‌عنوان یک قید آزادی احزاب نگاه می‌کنند: همه‌ی احزاب در ایران آزاد خواهند بود مگر آن‌که مخالف با مصالح ملت باشد؛ در آن صورت از فعالیت آنها جلوگیری می‌شود، لکن اظهار عقاید آزاد است (همان، جلد ۵: ۵۴۰).

د) نقد و نصیحت نسبت به حاکم اسلامی

یکی دیگر از شاخص‌های مردم‌سالاری دینی بحث نقد و انتقاد نسبت به حاکم اسلامی است. در نظام مردم‌سالاری دینی مردم این حق را دارند که نسبت به رفتار حاکم اسلامی نقد و بررسی داشته باشند و احياناً اشکال و ایراد خود نسبت به رفتار وی را بیان دارند. این مسأله در قالب اصولی مثل النصیحة لائم‌هال مسلمین و اصل امر به معروف و نهی از منکر توسط اندیشمندان اسلامی پذیرفته شده است. مردم می‌توانند به‌عنوان خیرخواه حاکم و جامعه‌ی اسلامی نظرات خود نسبت به حکومت و شخص حاکم

را آزادانه بیان نمایند و یا از باب امر به معروف و نهی از منکر، حاکم و کارگزاران حکومتی را به نسبت به انجام یک معروف امر نمایند و از انجام یک منکر پرهیز دهند. این مسأله در سیره‌ی حکومتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام وجود دارد. ایشان خطاب به مردم زمان خود آنها را به گفتن حق و اظهار نظر عادلانه تشویق می‌کنند و می‌فرمایند: پس از گفتن حق یا رأی زدن در عدالت باز نایستید که من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم، مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن توانا تر است (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۱۷)؛ ایشان با نهی مردم از چالپلوسی نسبت به حاکمان و پیگیری شکایات و گزارش‌های رسیده نسبت به والیان و منصوبان حکومتی خود زمینه را برای نقد و انتقاد از طرف مردم فراهم می‌کردند (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۱۶).

بنابر آنچه ذکر آن گذشت، نظام مردم‌سالاری دینی نیز برای تشخیص و سنجش عملکرد خود دارای شاخص‌هایی مثل مقبولیت مردمی (پذیرش مردم نسبت به اصل نظام)، مشروعیت الهی حاکم با نصب خاص و نصب عام (با شاخص‌های فقهات، عدالت، کاردانی و کفایت)، مشروعیت قوانین (با شاخص فقهی)، مشورت با مردم و مشارکت آنها در اداره‌ی جامعه و بها دادن به رأی مردم، آزادی مردم در نظام اسلامی (با وجود نهادهای سیاسی و مدنی مردمی، انتخابات، رسانه‌ها، مطبوعات و...) و نقد و انتقاد از حاکمان بر اساس دو اصل انصاف و عدالت و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. نظام مردم‌سالار دینی چون بر اساس دین و دستورات الهی و پذیرش مردم به تنظیم امور سیاسی - اجتماعی می‌پردازد، از آن‌جا که دین بر اساس فطرت آمده است و تنظیم مسائل بر اساس دین قطعاً متناسب با فطرت پاک انسانی نیز می‌باشد، پذیرش این سیستم و کارآمدی آن را افزایش خواهد داد.

سازمان‌های مردم نهاد

واژه‌ی (NGO) مخفف اصطلاح Non-Governmental Organization به معنای سازمان غیردولتی است. در زبان فارسی واژه‌ی «سازمان مردم نهاد» به اختصار «سمن» را معادل آن استفاده می‌نمایند.^۲ اصطلاح سازمان مردم نهاد در کلی‌ترین معنای خود، به سازمانی اشاره دارد که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود؛ اما نقش بسیار مهمی به‌عنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که از این قبیل سازمان‌ها به‌عنوان بخش سوم،^۳ در کنار بخش خصوصی و دولت، نام برده می‌شود که در اداره جامعه نقش داشته و در پیش برد جامعه به سوی اهداف توسعه مدارانه، اثرگذار می‌باشند (رضوانی، ۱۳۸۴)؛ لذا، یکی از ابزارهای مهم توسعه و یکی از مؤثرترین و معتبرترین ملاک‌ها جهت سنجش و بررسی میزان مشارکت مردم در اداره امور کشورها به‌شمار می‌روند (Soltankhah, 2005).

1. <http://farsi.khamenei.ir>

۲. واژه سازمان مردم نهاد برای نخستین بار توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ در تبصره ۷۱ فصل ۱۰ اساسنامه این سازمان مطرح گردید و در سال ۱۹۵۰ همزمان با تشکیل شورای اجتماعی اقتصادی سازمان ملل در بیانیه ۲۸۸ این شورا سازمان مردم نهاد به‌عنوان مشاوران اصلی مطرح شدند (مارتنز، ۲۰۰۲: ۲۸۲).

3. Third Sector

بیان اصطلاح بخش سوم بدین معنی است که آنها با سازمان‌های تجاری فرق می‌کنند، چرا که به دنبال سودآوری نیستند و از موسسات دولتی متمایزند، چون صلاحیت و اقتدار آنها از فرآیندهای سیاسی منتج نمی‌شود (Lewis, 2003: 328).

سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌هایی با شخصیت حقیقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی‌اند که برای انجام فعالیت‌های داوطلبانه با گرایش‌های غیرسیاسی بر اساس قانون، اساسنامه مدوّن، رعایت چارچوب موضوعه کشور و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌نمایند (سعیدی، ۱۳۸۱: ۴۸-۴۶).
سمن‌ها به منزله راهکاری نو برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش از آن‌رو در دنیای امروز اهمیت یافته‌اند که می‌توانند به‌عنوان حلقه واسط میان حکومت‌ها و مردم، عهده‌دار انتقال خواسته‌های ملت به نظام حکومتی باشند (شجاعی، ۱۳۸۶: ۲۸).

این سازمان‌های داوطلب در راستای بسیج نیرو و احساسات داوطلبان برای کاهش رنج‌ها و با هدف توسعه انسانی عمل می‌کنند (Streeten, 1997: 199); لذا فعالیت‌های اصلی این سازمان‌ها، نگرانی‌های انسانی مانند حقوق بشر، حفظ محیط زیست، امداد رسانی در بلایای طبیعی، آموزش و کمک به توسعه است. این سازمان‌ها، اطلاعات و تخصص‌هایی فنی که اغلب دولت‌ها بدان دسترسی ندارند، در اختیار آنها قرار می‌دهند (Nongovernmental organization (NGO), Encyclopædia Britannica, 2012).

این ارتباطات و پیوستگی اهداف و خواسته‌های جامعه را تأمین کرده و بنابراین، مشروعیت را تعمیق می‌سازد و فرایند دموکراتیزاسیون را با درونی‌سازی هنجارها و قوانین جهانی تسریع می‌بخشد. بر این اساس، سازمان‌های مردم‌نهاد بهترین عوامل جهت فراهم ساختن رهبری برای بازسازی اجتماعی در جهان در حال توسعه قلمداد می‌گردند (Ghosh, 2009: 229).

شایان ذکر است، بودجه این سازمان‌ها از طریق کمک‌های مردمی، سازمان‌های دولتی، توسط خود دولت یا ترکیبی از طرق مذکور تأمین می‌شود. بعضی از سازمان‌های مردم‌نهاد نیمه مستقل، وظایف و کارهای دولتی را نیز انجام می‌دهند. برخی از این سازمان‌ها هیچ علاقه‌ای به سیاست ندارند؛ این در حالی است که برخی از آنها به منظور تأمین منافع اعضای خود صرفاً به لابیگری در دولت می‌پردازند (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

آنچه اصطلاحاً در کشور ما سازمان مردم‌نهاد خوانده می‌شود و درباره آن داوری می‌گردد، نزد همگان تصویر دقیق و روشنی ندارد؛ همچنین، با توجه به ادبیات سازمان‌های مردم‌نهاد، در این زمینه که چه نوع نهادهایی می‌توانند سازمان‌های مردم‌نهاد تلقی شوند، اتفاق نظر وجود ندارد (میرزایی اهرنجانی و مقیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

لذا، انواع سازمان‌های مردم‌نهاد ممکن است به‌صورت انجمن‌های گوناگون، سازمان‌ها، نهادها، بنیادها، مؤسسه‌ها، تعاونی‌ها، باشگاه‌ها، گروه‌ها و هیئت‌ها باشند. یک تعریف درست و کوتاه از سازمان‌های مردم‌نهاد با این عنوان که هر سازمانی که تحت نظارت و تأسیس دولت قرار ندارد، مردم‌نهاد خواهد بود؛ این امکان را می‌دهد تا تمامی تشکل‌های خیریه، امداد رسانی، تجاری، بازرگانی، معنوی، توریستی، علمی،

حقوقی، اداری، سیاسی، اجتماعی و... را در این مجموعه گردهم آوریم. از آنجا که اصطلاح «سازمان مردم‌نهاد» بسیار کلی است، بسیاری از این سازمان‌ها ترجیح می‌دهند از اصطلاح سازمان داوطلبانه خصوصی (PVO) یا سازمان توسعه خصوصی (PDO) استفاده نمایند.

البته شایان ذکر است، سازمان‌های غیردولتی، عناوین و اسامی مختلفی دارند و در نقاط مختلف دنیا با عناوین خاصی مورد شناسایی قرار می‌گیرند. سازمان‌هایی که در یک کشور «سازمان‌های غیردولتی» نامیده می‌شوند، به دلایلی اغلب نامشخص اما ظاهراً اجتماعی و سیاسی در برخی کشورهای دیگر، «سازمان‌های داوطلب» یا «سازمان‌های غیرانتفاعی» نامیده می‌شوند.

جدول زیر تنوع این نوع سازمان‌ها و علائم اختصاری آنها را نشان می‌دهد:

جدول ۱: زیر تنوع سازمان‌ها و علائم اختصاری آنها

اختصار	عنوان انگلیسی	عنوان فارسی
CSOs	Civil society organizations	سازمان‌های جامعه مدنی
GONGOs	Government_organized NGOs	سازمان‌های غیردولتی دولت‌ساخته
GSOs	Grassroots support Organization	سازمان‌های حامی توده عوام
ICVA	International council for voluntary agencies	شورای بین‌المللی آژانس‌های داوطلبانه
CBOs	Community_ based organization	سازمان‌های غیردولتی جامعه‌مدار (محلی)

پیشینه تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در غرب و ایران

سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادی قدیمی با مفهومی جدید است که ریشه در تاریخ گذشته بشر دارد و در زمان‌های گذشته، با مطرح شدن مدیریت اجتماعات بشری، پا به عرصه هستی نهاده است (جلالی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۷). مطالعه و بررسی تاریخچه شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد نشان می‌دهد که، شکل‌گیری نهادهای غیردولتی به معنای جدید آن محصول تحولات فکری و اجتماعی مغرب زمین، خصوصاً اروپا، در قرون هفده و هیجده بود (بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۳)؛ لذا طرح چنین دیدگاهی، زمینه‌ساز آن گردید که سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، به‌مثابه سازوکارهایی جهت تحقق جامعه مدنی، رواج پیدا نمایند. وقوع انقلاب کبیر فرانسه در اواخر قرن هجدهم و وقوع انقلاب صنعتی در اوایل قرن نوزدهم این فرآیند را تسریع بخشید؛ اما این دو رویداد نه تنها با ارائه تعریف جدیدی از ملت، نهضت ایجاد کشورها براساس ملیت را بنا نهاد بلکه با اشاعه لیبرالیسم در حوزه اندیشه و اقتصاد زمینه را برای شکل‌گیری نهادهای غیردولتی فراهم کرد (پالمر، ۱۳۴۹: ۳۵۰-۳۳۰). توضیح اینکه اشاعه نهضت آزادی‌خواهی در اروپای سده نوزدهم سبب افزایش تقاضا برای مشارکت در امور سیاسی گردید. نهضت اخیر که در قالب تقاضای برای افزایش حق رأی ظاهر شد، زمینه را برای تشکیل نهادهایی جهت سازماندهی این مشارکت، فراهم ساخت. بدین ترتیب برای نخستین

بار در انگلستان اصلاحات انتخاباتی سال‌های ۱۸۳۳ و ۱۸۶۷ به ظهور احزاب سیاسی، به‌عنوان مهمترین نهادهای غیردولتی، انجامید (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۴۶). در کنار احزاب، انقلاب صنعتی و پیامدهای آن سبب تشدید جنبش کارگری در اروپا پس از انقلابات ۱۸۴۸ میلادی گردید (همان: ۶۸-۶۷). تا اینکه بالاخره در سال ۱۸۶۴ میلادی، انجمن بین‌المللی کارگران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای غیردولتی فرامنطقه‌ای تشکیل شد (بشیریه، ۱۳۷۶: ۱۷۵). بدین ترتیب تحولات سیاسی-اجتماعی قرن نوزده زمینه را برای شکل‌گیری NGOs فراهم کرد، فرآیندی که در سال‌های پس از جنگ جهانی اول به دلیل گسترش نهضت اعطای حق رأی همگانی و تعظیم اکثر دول اروپا در قبال این نهضت تشدید و تحکیم شد. اگرچه بحران اقتصادی ۱۹۲۹-۳۳ و پیامدهای آن همراه با رویدادهای زمان جنگ جهانی دوم، به دلیل افزایش دخالت دولت‌ها در امور، روند نهضت گسترش فعالیت نهادهای غیردولتی را کند کرد، اما این نهادها در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم اهمیت خود را دوباره باز یافتند (پورنجاتی، ۱۳۸۱: ۹).

از سال ۱۹۶۸ طی قطعنامه شورای اقتصادی سازمان ملل، زمینه نهادینه‌شدن سازمان‌های غیردولتی در کشورها شدت یافت (امیری، ۱۳۸۶) و جایگاه مشورتی برای سمن‌ها فراهم شد تا در بسیاری از مسائل مهم و تخصصی در مقام مشاوره برآیند و از حدود نظری وارد مرحله اجرائی و عملی شوند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۱). در این راستا، سازمان ملل متحد نیز از طریق حمایت مالی و فنی، زمینه‌ای مساعد برای رشد سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم آورده است، به‌گونه‌ای که افزون بر حمایت‌های همه‌جانبه از فعالیت‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های این سازمان‌ها، آنها را در راستای دستیابی به اهداف خود حمایت کرده‌اند (شجاعی، ۱۳۸۶: ۲۸)؛ لذا می‌توان گفت، در پنجاه سال اخیر یکی از ویژگی‌های تحولات مغرب زمین افزایش نفوذ و عملکرد سازمان‌های غیردولتی بوده است؛ فرآیندی که موضوع جهانی‌شدن و پیامدهای آن نه تنها از اهمیت آن نکاسته بلکه اعتبار آن را دوچندان ساخته است. به‌طور کلی، سه مرحله یا دوران تکامل سازمان‌های غیردولتی توسط کورتون سال ۱۹۹۰ در نوشته‌ای تحت عنوان «سه دوره شکل‌گیری فعالیت‌های داوطلبانه» شناسایی شده است. در مرحله اول، نوع خاصی از سازمان مردم‌نهاد شکل می‌گیرد که بر امدادسانی و رفاه متمرکز بود و مستقیماً به افراد ذی‌نفع خدمات امدادی ارائه می‌کرد. توزیع غذا، تأمین پناهگاه و ارائه خدمات بهداشتی نمونه‌هایی از خدمات این قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد بود. در واقع سازمان مردم‌نهاد در این مرحله نیازهای روز افراد را تشخیص می‌دادند و به برآورده ساختن آنها می‌پرداختند. در مرحله دوم از تکامل، سازمان‌های مردم‌نهاد از لحاظ وسعت و اندازه کوچکتر شده و به مجموعه‌های مستقل و خودکفای محلی تبدیل شدند. سازمان‌های مردم‌نهاد در این مرحله از تکامل، امکانات جوامع محلی را گسترش دادند تا بتوانند با «اقدامات محلی مستقل» نیازهای آنها را برآورده سازند. کورتون سوم از تکامل و شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد را «توسعه نظام‌های پایدار» می‌خواند. در این مرحله، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌کوشند تغییراتی را در سیاست‌ها و مؤسسات در سطح داخلی، ملی و بین‌المللی به‌وجود آورند؛ آنها از نقش سابق خود که تأمین و ارائه خدمات عملیاتی بود، فاصله گرفته و نقش کاتالیزوری به عهده گرفتند. به تدریج این سازمان از

«سازمان مردم‌نهاد امدادرسان» به «سازمان مردم‌نهاد توسعه و آبادانی» تغییر ماهیت داد (مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۶).

در مشرق زمین به‌طور اعم و ایران به‌طور اخص وضعیت متفاوت از جوامع غربی بود. آشنایی ایرانیان با سازمان‌های مردمی در مفهوم جدید آن و تلاش برای استقرار آنها، محصول روابط با مغرب زمین در قرن نوزده و آشنایی با مدرنیسم بود. افزایش تماس‌های ایرانیان با مغرب زمین در قرن نوزده سبب ظهور قشر جدیدی در ساختار اجتماعی ایران گردید. این گروه جدید، که بعدها ویژگی طبقه یافته و اصطلاح روشنفکر به آنها نهاده شد (همان، ۷۶)؛ مایه‌های فکری خود را از انقلاب کبیر فرانسه گرفته و خواستار نوسازی ساختار سیاسی ایران از طریق استقرار نظم مبتنی بر پارلمانتاریسم بود. بر این مینا، اینان از یک‌طرف بدلیل تأثیرپذیری از تحولات اروپا و از طرف دیگر برای نیل به منظوری خاص، در صدد استقرار نهادهای مردمی برآمدند، سازمان‌هایی که رسالت آنها هم نیل به پارلمانتاریسم و هم نهادینه‌سازی آن بود. در راستای چنین هدفی بود که این عده از نخبگان ایرانی قبل از استقرار مشروطیت در ایران، به سال ۱۲۸۵ هجری شمسی مصادف با ۱۹۰۶ میلادی، اقدام به تأسیس سازمان‌هایی چون فراموشخانه، انجمن مخفی، مجمع آدمیت، مرکز غیبی و کمیته انقلابی کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۹۸)؛ استقرار مشروطیت در ایران به سال ۱۹۰۶/۱۲۸۵، تدوین قانون اساسی و به رسمیت شناخته شدن حقوق و آزادی‌های فردی همراه با حق تشکیل اجتماعات در آن فرصت مناسب در اختیار روشنفکران و کارگران برای تأسیس سازمان‌های مردمی به معنای جدید آن قرار داد. در راستای این هدف بود که روشنفکران اقدام به تأسیس حزب نمودند و کارگران نیز نخستین اتحادیه کارگری را در ایران سازمان دادند. البته در شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری در ایران و فعالیت آنها نباید از پیامدهای انقلاب اکتبر روسیه بر آن غافل ماند. بدین ترتیب می‌توان گفت، نهادهای غیردولتی در ایران با مشروطیت همزادند. از آن هنگام تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران؛ به‌جز مقاطع کوتاه، این نهادها امکان حیات و فعالیت نداشتند. در دوران سلطنت رضاشاه به شدت با فعالیت این نهادها مخالفت شد. اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰، برکناری رضاشاه و از میان رفتن استبداد دولتی، دوباره فرصت تکوین و فعالیت سازمان‌های مردمی را در تاریخ معاصر ایران فراهم ساخت. در این مقطع نه تنها احزاب دوباره به عرصه سیاست بازگشتند بلکه سازمان‌هایی چون «کانون مهندسين ایران» و بعدها «انجمن نظارت بر انتخابات» شکل گرفت که کاملاً ویژگی نهادهای غیردولتی مدرن را داشتند. اوج فعالیت و مبارزات سیاسی این نهادها در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق بود که با کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد این فرصت طلایی از دست رفت (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۰۸).

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، تغییر در ساختار سیاسی در ایران، بروز نشانه‌هایی از گفتمان دمکراتیک به‌جای گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و بالاخره انتخاب ساختار جمهوری از سوی رهبران انقلاب برای شکل نظام همه‌بیانگر سرآغاز جدیدی در حیات سیاسی معاصر ایران و فراهم شدن زمینه برای تکوین نهادهای غیردولتی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران بود. اکنون با گذشت نزدیک به چهار

دهه سال از زمان پیروزی انقلاب با نگاهی به گذشته می‌توان تکوین، حیات و فعالیت نهادهای مردمی را در خلال این مدت، به پنج دوره تقسیم کرد:

دوران نخست، مقطع یازده ساله‌ای است که با پیروزی انقلاب آغاز و با رحلت امام(ره) در خرداد ماه ۱۳۷۶ پایان می‌پذیرد.

دوره دوم، دوران هشت ساله (۷۶-۱۳۶۸) ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی؛ دوره سوم، از خردادماه ۱۳۷۶، زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب آقای خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور؛ دوره چهارم، از زمان انتخاب احمدی‌نژاد تا سال ۹۲ و در آخر، دوره پنجم از زمان انتخاب روحانی تاکنون را شامل می‌شود. بر طبق آمارهای موجود، تا سال ۱۳۹۱، مجموع ۷۲۷۰ فقره سازمان مردم‌نهاد فعال در کشور وجود داشته که از این میان، تعداد ۳۲۰۰ فقره از آنها در محدوده تهران بزرگ فعالیت دارند و بدون احتساب مؤسساتی که از سایر مراجع صدور پروانه (وزارت کشور، سازمان بهزیستی، سازمان ملی جوانان و ...) مجوز دریافت داشته‌اند، تعداد ۱۱۶۰ فقره از این مؤسسات از ناجا مجوز فعالیت اخذ نموده‌اند که دامنه فعالیت حدود ۴۵۰ فقره از این مؤسسات پیرامون مسائل مرتبط با زنان سرپرست خانوار می‌باشد. بررسی تاریخچه شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران ما را در نهایت بدین سو رهنمون می‌کند که، به رغم عمر کوتاه تشکیل سمن‌ها در ایران، به شکل رسمی و نظام‌مند (کمتر از دو دهه)، از رشد کمی مطلوبی برخوردار بوده‌اند؛ علی‌رغم این تعدد کمی، لیکن باید پذیرفت که هنوز در اول راه هستیم و شایسته است جهت رسیدن به کیفیت مطلوب، از تجربیات سایر کشورهایی که در تشکیل سمن‌ها پیشینه‌ای طولانی‌تر دارند بهره بگیریم (معصومی، ۱۳۸۹: ۱۹).

مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد

مفهوم عملیاتی مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد به معنی کاهش تهدیدات احتمالی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد علیه امنیت ملی ج.ا. ایران و استفاده از ظرفیت این سازمان‌ها برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی است. زیرا عدم شناخت به موقع پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد توسط سازمان‌های ذیربط در جمهوری اسلامی ایران و عوامل ساختاری، این مؤسسات نه به‌عنوان فرصت بلکه به‌عنوان تهدیدی در فرآیند سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی تبدیل شده‌اند و برخی از آنان در راستای اهداف بیگانگان قرار گرفته و کارکرد ذاتی خود را از دست داده‌اند. این تهدیدات و ضعف‌های ساختاری، ایفای نقش نهادهای ناظر در خصوص موضوع سازمان‌های مردم‌نهاد را به امری الزامی تبدیل می‌کند. در این خصوص باید سیاست‌ها (بابدها و نبایدها) ذیل را مدنظر قرار داد:

۱. ضرورت انسجام ساختاری - رویکردی در سطح نهادهای این موضوع؛
۲. ضرورت رفع خلاءهای قانونی؛
۳. ضرورت طراحی الگوی نظارت هوشمند در اقدامات و برنامه‌های این نهادها؛
۴. ضرورت بازبینی عملکرد نهادهای موجود؛

۵. ضرورت غیرسیاسی و غیرامنیتی شدن این نهادها و کارکرد آنها؛
 ۶. ضرورت استیلاي هوشمند در مراکز و کانون‌های سیاست‌گذاری تجمع و حمایت از این نهادها؛
 ۷. ضرورت تأسیس نهادهای هماهنگ‌کننده و هدایت غیرمستقیم این نهادها؛
 ۸. تأکید بر شناسایی و محدودسازی سمن‌های وابسته به جریان‌ات ضدانقلاب در چارچوب‌های قانونی؛
 ۹. ضرورت پویاسازی نهادهای مردی برای نقش‌پذیری در این عرصه؛
 ۱۰. ضرورت بازنگری و سیاست‌گذاری کارآمد نسبت به مؤسسات فرهنگی جهت ممانعت از پیشرفت فرهنگ بیگانه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور؛
 ۱۱. ضرورت ایجاد ارتباطات شبکه‌ای در نهادهای همسو با نظام؛
 ۱۲. ممانعت از جذب ظرفیت‌ها و منابع انسانی مردمی و رسمی توسط نهادهای وابسته به ضد انقلاب؛
 ۱۳. ضرورت شناسایی شبکه‌های مخفی؛
 ۱۴. ضرورت ثبت ارتباطات بین سمن‌ها با مراکز نهادها و جریان‌ات بین‌المللی؛
 ۱۵. ضرورت ایجاد التزام قانونی سمن‌ها جهت شفاف‌سازی اقدامات و فعالیت‌ها.
- لذا ایفای نقش نهادهای ناظر حکومتی در فرآیند تأسیس، استقرار (طراحی ساختار و فعالیت) و کنترل و نظارت بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد ضروری بوده و جمهوری اسلامی ایران باید در عرصه‌های فوق مدیریت لازم برای مهار تهدیدات و رشد فرصت‌های این سازمان‌ها بر امنیت ملی را ایفا نماید. در این راستا نقش نهادهای نظارتی در فرآیندهای ذکر شده را می‌توان به ترتیب ذیل تبیین کرد:

نقش نهادهای نظارتی در فرآیند تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد

تأسیس و شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود و نیز جلب مشارکت‌های مردمی نتایج بسیار مطلوبی را برای نظام به همراه دارد. این امر می‌تواند پتانسیلی خوبی برای بسیج منابع و امکانات کشور در رفع آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی باشد. این در حالی است که بی‌سازمانی در ثبت و صدور مجوز سمن‌ها و عدم هماهنگی بین سازمان‌های مسئول و مسئولیت‌نامعین هر یک از سازمان‌ها، فقدان تمهید قوانین، آئین‌نامه و مقررات ایجاد، ثبت و مشروعیت بخشی به سمن‌ها و نامعین بودن اهداف و کارکردهای مورد انتظار سمن‌ها برای سازمان‌های رسمی تبدیل به تهدید جدی امنیتی شده و امکان سوء استفاده و نفوذ جریان‌ات معاند خارجی و مخالف داخلی را به همراه دارد.

نهادهای نظارتی به منظور جلوگیری از تهدیدات فوق‌الذکر تلاش داشته‌اند تا با آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی و پیگیری اجرای دقیق آن نسبت به تمرکز مسئولیت صدور مجوز در دستگاه واحد اقدام گردد که این امر تاکنون موفقیت زیادی در بر نداشته است. در درون هر کدام از نهادهای نظارتی مانند وزارت کشور نیز علی‌رغم اقدامات مؤثر واحدهای مختلف و هماهنگی نسبی موجود میان آنان، ساز و کاری برای ایجاد هماهنگی و سیاست‌گذاری برای این پدیده به شکلی منسجم و متمرکز مطابق با

ظرفیت‌های مدرن سازمان‌های مردم‌نهاد وجود ندارد و این امر نارسایی و بعضاً چندگانگی در برخورد با این پدیده را منجر شده است.

نقش نهادهای نظارتی در استقرار سازمان‌های مردم‌نهاد

به دلیل آنکه اغلب سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی فعالیت می‌کنند و در موارد متعدد مشاهده شده است که به دلیل عدم صلاحیت مدیران آنان نسبت به تغییر نگرش‌ها و تضعیف بنیان‌های مذهبی به‌ویژه در حوزه زنان اقدام کرده‌اند. در این راستا از آنجایی که سمن‌ها نیاز به پشتوانه مالی دارند و خودشان با توجه به غیرانتفاعی بودن منبع درآمد ندارند این وابستگی پنهانی مالی سمن‌ها باعث می‌شود که از طریق حمایت مالی سازمان‌های غربی و بین‌المللی وارد فاز توسعه فعالیت در سطوح بین‌المللی و انتقال ارزش‌ها و دغدغه‌های مورد نظر، آگاهی کاذب و فرهنگ‌سازی مورد نظر غرب و در نهایت مخالفت با نظام و در نهایت براندازی نرم کشور قرار گیرند. به‌عنوان نمونه مؤسسه کنشگران داوطلب با هدف برگزاری کارگاه‌های مختلف آموزشی و توانمندسازی در حوزه سمن‌ها راه‌اندازی گردید لیکن در عمل به برقراری ارتباط با اپوزیسیون خارج از کشور و برگزاری آموزش‌هایی در زمینه چگونگی تقابل با نظام و حکومت اقدام کرده و در نهایت برخی از اعضای آن به خارج از کشور فرار نمودند.

نقش نهادهای نظارتی در فرآیند کنترل و نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد

تنها بخش کوچکی در وزارت کشور (چهار کارشناس در معاونت سازمان‌های مردم‌نهاد اداره کل اجتماعی وزارت کشور) مسئولیت نظارت بر تمامی سازمان‌های مردم‌نهاد کشور را برعهده دارند از این رو، عدم نظارت و ارزیابی صحیح و دقیق بر عملکرد این سازمان‌ها موجب افسار گسیختگی فعالیت‌های آنان می‌شود. افزون بر این عدم هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و نظارتی نیز مزید بر علت شده و فرصت ایجاد در دولت یازدهم برای گسترش کمی و کیفی جامعه مدنی در جهت توسعه داخلی و ارتباط و تعامل با دیگر کشورها را دچار خدشه می‌سازد.

موارد فوق‌الذکر برخی از ضرورت‌های ایفای نقش نظارتی و کنترلی نهادهای نظارتی در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد برای جلوگیری از بهره‌برداری کشورهای بیگانه خصوصاً آمریکا می‌باشد. زیرا آمریکا پس از فتنه ۸۸ و تحولات منطقه سرمایه‌گذاری زیادی بر روی سازمان‌های مردم‌نهاد به‌ویژه در حوزه‌های جوانان و زنان انجام داده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی این مقاله در قالب مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد در جمهوری اسلامی ایران نتایج زیر را می‌توان برشمرد:

اولاً: امروزه همکاری دولت‌ها با سازمان‌های غیردولتی به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است. دولت‌ها مشکلات ناشی از قبول مسئولیت‌های عمومی و عدم برآورده کردن خواسته‌های واقعی مردم را درک کرده‌اند

و راه حل رفع این تنگنا را در واگذاری امور به سطوح محلی و به‌ویژه به سازمان‌های غیردولتی دانسته‌اند این موضوع ضرورت مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد را دوچندان نموده است. ثانیاً: از حیث آسیب شناسی مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توان بیان داشت که بررسی وضعیت مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد در جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که به دلیل خلاء قانونی و نبود سند راهبردی همچنین تفاوت رویکرد دولت‌ها برای تأسیس، استقرار و توسعه این سازمان‌ها، از ظرفیت بسیار خوب این نهادها تاکنون به‌صورت مناسبی استفاده نشده است؛ از سویی دیگر، افراط و تفریط‌ها در خصوص این سازمان‌ها مشکلاتی برای کشور به‌وجود آورده و به جای ایفای کارکرد واقعی خود و کمک به پیشرفت و توسعه سیاسی و اجتماعی، گاه‌به‌گاه مانعی برای آن تبدیل شده‌اند.

راهبردهای پیشنهادی

توانمندسازی نهادهای مسئول و ناظر در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد؛

۱. شفاف سازی قانونی اقدامات سازمان‌های ذیربط در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۲. شفاف سازی اهداف و موضوع فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۳. مقابله با نفوذ نیروهای معاند و مخالف نظام در سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۴. ممانعت از گسستگی سمن‌ها از ساختارهای رسمی و یا رشد بی‌اعتمادی و بدبینی آنها نسبت به گفتمان و ساختار موجود؛
۵. مقابله با رشد رویکردهای ضدامنیتی با ایجاد سامانه هوشمند فعالیت‌ها؛
۶. جذب، سازماندهی و حمایت پنهان از سازمان‌های مردم‌نهاد همسو با نظام توسط سیستم اطلاعاتی؛
۷. نفوذ در ساختارها و هدایت‌گرهای سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور مقابله اطلاعاتی و اخلال در کار اطلاعاتی حریف؛
۸. الگوسازی بومی از نهادهای داوطلبانه براساس بایدهای امنیتی، دینی و ملی.

راهکارهای اجرایی

۱. لازم است نهادهای نظارتی با بررسی وضعیت کلان و راهبردی سمن‌ها در نهایت دقت و سرعت آسیب‌های موجود را رفع کند و با برنامه‌ریزی دقیق از رها شدن سازمان‌های مردم‌نهاد جلوگیری کنند؛
۲. بررسی وضعیت سمن‌ها در کشور با هدف برآورد از انواع فعالیت‌های سمن‌های موجود و ایجاد سامانه هوشمند فعالیت‌ها ضروری خواهد بود. با استفاده از نظارت و ارزیابی هوشمند بر عملکرد این سازمان‌ها، راه‌اندازی بانک اطلاعاتی و جمع‌آوری سوابق این سازمان‌ها، از ایجاد آثار نامطلوب این سازمان‌ها در کشور جلوگیری می‌گردد؛
۳. رفع خلأهای قانونی به همراه استفاده از مشوق‌ها در ثبت فعالیت‌ها به‌عنوان یک روند قانونی ضروری است. با توجه به اینکه لایحه سازمان‌های مردم‌نهاد در انتظار رأی مجلس می‌باشد لازم است نهادهای

نظارتی در خصوص جلوگیری از رشد و تکثیر قارچ گونه تشکل‌های مردم‌نهاد در سطح جامعه و ثبت اطلاعات دقیق صدور پروانه فعالیت در یک بانک اطلاعاتی مشخص اقدامات لازم را انجام دهد و نسبت به محدود نمودن مراکز تصمیم‌گیری در این حوزه ضوابط مخصوص را تصویب نماید؛

۴. با برگزاری نشست‌های قانونی با هدف جذب و سازماندهی نهادهای همسو با نظام اقدام شده و نفوذ در ساختارها و هدایت‌گرها مد نظر وزارت قرار گیرد؛

۵. طراحی و ارائه راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص این سازمان‌ها در افق ۱۴۰۴ از سوی نهادهای حکومتی ناظر به گفتمان توانمندسازی در سه بُعد (نهادهای مسئول، ساختاری و کارکردی) با هدف بومی کردن کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد و مدیریت این سازمان‌ها منجر خواهد شد.

References

- Abdollah, Javadi Amoli (2015), *the relationship between Religion and the Universe*, Tehran, Osara.
- Abrahamian, Ervand (2014), *Iran between Two Revolutions*, Translator: Ahmad Golmohammadi, Tehran, Ney Publication.
- Amiri, Abtin (2007), *A Study of the Rights of NGOs*, MA Thesis, Islamic Azad University.
- Bashiryeh, Hossein (1995), *Political Sociology: the Role of Social forces in the Political Life*, Tehran, Ney Publication.
- Ghosh, B. (2009), *NGOs, Civil Society and Social Reconstruction in Contemporary India*, Journal of Developing Societies, 25 (2).
- Golshan Pazhouh, Mahmoudreza (2002), *A Guidance to NGOs*, Tehran International Studies and Research Institute.
- Heidari, Nasrollah & Jamshidi Mohsen (2016) “the Role of NGOs in Political Participation during Ahmadinejad and Rouhani”, 12th Year, No. 36.
- Imam Khomeini (2007), *Sahife Noor*, Tehran, the Center of Cultural Documents of the Islamic Revolution.
- Jalali, Mohammad; Hejazi, Yousof; Rezvanfar, Ahmad; and Pourtaheri, Mahdi (2015) “the Analysis of Challenges Facing Environmental NGOs in Kordestan Province”, Journal of Village and Development, 11th Year, No. 3.
- Lewis, D. (2003), “Theorizing the organization and management of nongovernmental development organizations towards a composite approach”. *Public Management Review*, 5(3).
- Majlesi, Mohammadbagher, *Bihar al-Anwar*, Qom, Bina .
- Masoumi, Reza (2010), “the Role of NGOs in Preventing Addiction”, *Iran Pak*, No. 11 .
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2010), *Laws and Politics in Quran*, Tehran, Imam Khomeini Education and Research Institute.

-
- Mirzaei Ahranjani, Hamid & Moghimi, Mohammad (2003), "Presenting Appropriate Organizational Pattern for NGOs in Iran by Using Entrepreneurship Approach", Knowledge of Management, No. 62.
 - Mohammad Hossein Naeini (2003), *Tanbih al-Umma and Tanzi al-Mellat*, Qom, Book Garden.
 - Nongovernmental organization (NGO) (2012), *Encyclopædia Britannica. Encyclopædia Britannica Ultimate Reference Suite*, Chicago, Encyclopædia Britannica.
 - Palmer, Robert Roosevelt (1970), *the History of Modern World*, Translator: Abolghasem Taheri, Tehran, Amir Kabir.
 - Saeidi, Mohammadreza (2002), *the Obstacles of the Growth and Development of NGOs in Iran*, PHD Thesis, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University .
 - Shojaei, A. (2007), "the Role of NGOs in Sustainable Development and Tourism Industry", Passengers, No. 40.
 - Soltankhah, V. (2005), *Women political participation in Isfahan Province* (awareness, attitudes and strategies), Women and Research, Province Researches, foreign ministry's women affairs office.
 - *The Research Center of Islamic Science and Culture* (2007), *the Political Thought in Alawi Discourse*, Qom, Book Garden.